

زیر آسمان فیروزمای

نیاوران میزبان سومین جشنواره «هنر برای صلح»

● شرق: هنرمندان ایرانی برای سومین بار دورهم جمع می‌شوند تا در راه صلح گام بردارند. ۱۶۰ اثر در نمایشگاه «هنر برای صلح» به نمایش گذاشته می‌شود تا عواید حاصل

از آن در راه صلح هزینه شود. جشنواره «هنر برای صلح» وارد سومین دوره خود می‌شود. این جشنواره که با هدف برقراری صلح در جهان آغاز به کار کرده، در دوره اول با ۷۰ اثر در گالری محسن و ویستا، در دوره دوم با ۱۰۳ اثر در خانه هنرمندان و امسال با ۱۶۰ اثر در فرهنگسرای نیاوران برپا می‌شود. به گفته فریدون فروبود، دبیر این جشنواره، برای این دوره، از اردیبهشت سال جاری از ۳۰۰ هنرمند برای شرکت در این رویداد دعوت شد که ۱۶۰ هنرمند، دعوت جشنواره را پذیرفتند. محمد احصایی، عباس کیارستمی، پرویز تاولی، رضا کیانیان، ناصر تقوایی، فریدون آو، نصرالله افجه‌ای، علی شیرازی، تاها بهبهانی، رازه تباتبایی، محمود زنده‌رودی، مهدی سجایی، محمد فرود، عباس کوثری، مجید سعیدی، امیرمسعود انوشفر و... تعدادی از هنرمندان شرکت‌کننده در این جشنواره هستند. همه آثار ارائه‌شده به معرض فروش گذاشته می‌شوند اما جشنواره در دو بخش برگزار می‌شود. در بخش اول آثاری ارائه می‌شوند که موضوع آنها صلح است و هنرمندان با این موضوع اقدام به خلق آثار جدیدی کرده‌اند. در بخش دوم هم آثاری از سوی هنرمندان در اختیار جشنواره قرار داده شده

است که عواید حاصل از فروش آن به مؤسسات صلح تعلق می‌گیرد. این جشنواره در رشته‌های نقاشی، مجسمه و گرافیک برگزار می‌شود هرچند که در بخش گرافیک موضوع دیگری به‌غیر از صلح هم در نظر گرفته شده است. فریود در توضیح این بخش به «شرق» گفت: «به دلیل کمبود آب و بخرانی که در این زمینه وجود دارد، بخشی از آثار بخش گرافیک را به موضوع کم‌آبی اختصاص دادیم تا پوسترهایی در مورد این بحران به نمایش گذاشته شود که ۲۰ اثر در این بخش روی دیوار می‌رود». همچنین در این دوره بخشی هم برای آثار کودکان ایجاد شده است که تعدادی از این آثار مربوط به کودکان سرطانی محک هستند. سومین جشنواره «هنر برای صلح» ساعت ۱۷ تا ۲۰ روز ۲۰ شهریور در فرهنگسرای نیاوران، واقع در خیابان پاسداران، مقابل پارک نیاوران آغاز می‌شود. مراسم اختتامیه هم همراه با اهدای نشان جشنواره روز ۳۰ شهریور از ساعت ۱۶ الی ۲۱ برپا خواهد شد.

فرهنگسرای عطار برگزار می‌کند

عصر کتاب «طهران» باعبدالله انوار

● شرق: مراسم «عصر کتاب طهران» برای پاسداشت از تلاش‌های تهران‌شناسی سیدعبدالله انوار و قدردانی از تهران‌گردی احمد مسجدجامعی با حضور چهره‌های برجسته فرهنگی کشور و به همت سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران (فرهنگسرای عطار) عصر روز جمعه بیستم شهریور در باغ‌موزه هنر ایرانی برگزار می‌شود.در مراسم «عصر کتاب طهران» از ۸۰ سال تلاش، تالیف و تحقیق استاد انوار قدردانی می‌شود. در این مراسم، دکتر رضا داوری‌اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم ایران، دکتر رضا صالحی امیری، رئیس کتابخانه ملی، دکتر محمود صلاحی، رئیس سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران و دیگر چهره‌های علمی و فرهنگی سخنرانی می‌کنند. مراسم عصر کتاب تهران، جمعه ۲۰ شهریور ساعت ۱۷ در محل باغ‌موزه هنرهای ایرانی، واقع در میدان تجریش، خیابان شهید دردندی (مقصودیپک)، خیابان دکتر حسابی برگزار می‌شود.

«بودن در میان قاب» به گالری آرته می‌آید

● شرق: شفق کلهر، هنرمند عکاس، مجموعه آثارش را با عنوان «بودن در میان قاب» جمعه ۲۰ شهریور در گالری آرته روی دیوار می‌برد. این عکاس درباره این مجموعه به هنرآلاین گفت: این مجموعه ۲۷ سلف‌پرتره است که من در محیط خانه و از زندگی روزمره خود و اعضای خانواده‌ام ثبت کرده‌ام. درواقع این آثار روزمرگی‌های زنی هستند که از درون یک آینه کوچک به تصویر کشیده شده است. من این آینه را در قسمت‌های مختلف خانه قرار داده‌ام و بدون آنکه ابزار عکاسی در آینه دیده شود تصویر خودم را در کنار بخشی از زندگی روزمرهام با اعضای خانواده یا اشیایی که هرروز با آنها درگیر هستم به تصویر کشیده‌ام. کلهر درباره شکل‌گیری این مجموعه نیز گفت: آغاز این عکس‌ها پاییز سال ۹۲ بود و پس از آنکه نخستین فریم‌ها را در اینستاگرام گذاشتم، بازخوردهای خوب به آنها موجب شد مجموعه را گسترش داده و برای نمایش آن تصمیم بگیرم. شفق کلهر متولد سال ۱۳۵۵ در تهران است. او دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد در رشته فلسفه و مدرس پیانو است. نمایشگاه «از ۲۰ تا ۳۰ شهریور در گالری آرته به نشانی ونک، خیابان ملاصدرا، شیخ بهایی جنوبی، پایین‌تر از همت، بلوار علی‌خانی، ۲۰ متری گلستان، ۱۲ متری دوم، پلاک سه برگزار می‌شود.

شرق: «خودت را برای یک سفر ذهنی و تخیل با آثار عباس کیارستمی، عکاس، شاعر و فیلم‌ساز تحسین‌شده ایرانی آماده کن». این جمله‌ای است که سایت موزه آقاخان تورنتو در معرفی نمایشگاه آتی عباس کیارستمی، فیلم‌ساز مطرح ایرانی، نوشته است. کیارستمی سال‌هاست که به‌واسطه فعالیت‌های هنری‌ای که در کنار فیلم‌سازی انجام می‌دهد در بسیاری از محافل طراز اول هنری جهان حرفی برای گفتن دارد و این‌بار موزه آقاخان تورنتو قرار است میزبان آثار عکاسی او بشود؛ آثاری که به نام «درهای بی‌کلید» در این نمایشگاه به نمایش گذاشته خواهد شد.

«دیوارها و درها هردو موانع و مرزهایی را ایجاد می‌کنند. به‌رحال درها به‌واسطه پیداکردن جهانی دیگر و احساس آزادی امیدی نیز انتقال می‌دهند و با این فرض خاطره‌انگیز، عباس کیارستمی جهان دیگری را با عکس‌هایش معرفی می‌کند. درها حال‌وهوای بسیاری از چیزها را بیان می‌کنند مثل زندگی که پشت آنها در جریان بوده و هست، اما این‌بار این زندگی به اندازه بوم نمایش داده شده است؛ آثار هنری‌ای که فراتر از زمان و مکانند». مقدمه‌ای که برای آثار عباس کیارستمی نوشته شده، به‌خوبی حس‌وحال عکس‌های این هنرمند را معرفی می‌کند. کیارستمی بیش از دو دهه در ایران، اسپانیا و فرانسه عکاسی کرده است و بخشی از این آثار از ۳۰ آبان ۹۴ تا ۹۴ فروردین ۹۵ در موزه آقاخان تورنتو به نمایش گذاشته خواهد شد. نمایشگاه عکس «درهای بی‌کلید» نخستین نمایشگاه انفرادی یک هنرمند در موزه آقاخان و فرصتی استثنایی برای دیدن آثار کیارستمی در حوزه عکاسی است. قرار است این مجموعه عکس کیارستمی به‌زودی از سوی نشر نظر در قالب کتابی به چاپ

هنر

کارگردان ایرانی عکس‌هایش را به کانادا می‌برد

سفر کیارستمی به تورنتو با «درهای بی‌کلید»



برسد. تا پیش از این نمایشگاه‌های عکس کیارستمی در ایتالیا، انگلستان، ژاپن، آلمان، چین، موزه هنرهای معاصر تهران و... برپا شده است. آخرین نمایشگاه انفرادی کیارستمی در ایران، در سال ۹۱ در «گالری بوم» برپا شده است. کیارستمی پس از این نمایشگاه، در سال ۹۲ میهمان موزه «ویس‌یادن» آلمان شد. سال گذشته هم در نمایشگاه «نوست‌گرایی در هنر معاصر ایران» عکس‌هایی از مجموعه درهای بی‌کلید کیارستمی به‌همراه عکس‌های دوران قاجار بهمن جلایی، آینه‌ها و چلچراغ‌های جمشید یابرمی و عکس‌های معصومانه فروش میلانی‌زاده از مجموعه «نسانس بیرون قاب» چشم علاقه‌مندان را خیره کرده بود. موزه آقاخان قصد دارد در ادامه نمایش آثار عکاسی کیارستمی، مجموعه‌ای از فیلم‌های این کارگردان شهیر ایرانی را هم نمایش دهد و پروژه‌ای از

تارخ: معضل اصلی خود سینماست

سینماگران، به‌روزشدن سالن‌های سینما، به‌روزسانی

تجهیزات سینمایی و تزریق سرمایه و پول به سینمای ایران حرکت‌های مثبتی بود که در این مدت انجام شد. همه اینها نیز نکاتی نیستند که در ید قدرت تنها یک نهاد به‌عنوان سازمان سینمایی باشد. طبعاً سازمان سینمایی مطالباتش را از دولت خواهد خواست که دولت هم دچار مشکلات زیادی است. از طرف دیگر فکر می‌کنم یکی از حرکات شایسته دولت همان‌طور که اشاره کردید، بازگشایی خانه سینما بود. اما بعد از آن، آنچنان که باید،

اتفاقات عجیب‌وغریبی در سینما رخ نداد که از آن به‌عنوان یک دستاورد فوق‌العاده یاد کنیم و ما با یک‌سری از مشکلات عقیدتی در این حوزه روبه‌رو هستیم که احساس می‌کنم حل این مشکلات در قدرت آقای ایوبی یا نهادهایی در سطح سازمان سینمایی نیست.

جشن خانه سینما با چاشنی اعتراض

غیبت «جنتی» در جشن صنوف سینما



درویش اختصاص داشت، با حواشی بسیاری همراه بود. کیومرث پوراحمد در صحبت‌هایش از تأثیر درویش در سینمای ایران سخن گفت. او به آخرین اثر او و جفایی که در اکران به این فیلم شده است پرداخت و افزود: حُسن بزرگ درویش به‌نسبت دیگر دوستانی که برای تبلور اسلام پول میلیاردی می‌گیرند، این است که آنچه صرف کرده پول جیب مردم ایران نیست بلکه با سرمایه‌گذار دارد یا آن را از جای دیگر تهیه کرده است و این غم‌انگیز است که از اکران پایین کشیده شود.

رونمایی از گنج خفته موزه هنرهای معاصر

داده شد. احسان آقایی، دبیری نمایشگاه را برعهده دارد و در بروشور آن در مورد «ذهنیت ملموس» آمده است: «ذهنیت ملموس که در ابتدا، واژه‌ای متناقض جلوه می‌کند حکایت از ذهن‌هایی است که آگاهانه و هدفمند عینیت یافته‌اند. هنرمند با دیدی رها و آزاد و در فرایندی یگانه و قائم به خود ادراکش را از فریختن، وینتر، هانس هارنونک، و جهان هستی تجلی می‌دهد. البته این عنوان می‌تواند جریان‌های انتزاعی هنر را از ابتدای قرن بیستم تاکنون دربر گیرد. جریان‌هایی که به صورت زنجیره‌وار بهم وابسته و در تعامل و تقابل با هم به وجود آمده‌اند».

را با چهار گرایش اکسپرسیونیسم انتزاعی، تاشیسم، انتزاع پسانقاشانه و انتزاع تغزلی از واسیلی کاندینسکی، جکسون پولاک، ویلهم دکونینگ، رابرت مادورل، مارک روتکو، آدولف کاتلیپ، فرانز کلاین، مارک توبی، آنتونی تاپیس، منوچهر یکتایی، ژان فونتریسه، پی‌یر سولاز، آنتونیو سائورا، ژان‌پل هزار اثر نگهداری می‌شود که نبمی از آنها متعلق به هنرمندان ایرانی و نبمی دیگر از آن هنرمندان خارجی است. بسیاری از این آثار از هنرمندان تجسمی هستند که آثارشان در بازارهای جهانی با قیمت بالایی خریدوفروش می‌شود. تازه‌ترین نمایشگاه موزه هنرهای معاصر ۲۷ اثر از ۲۳ نقاش از جکسون پولاک آخرین‌بار در سال ۸۸ نمایش

نمایش آثار او در سال ۲۰۱۶ در این موزه در جریان خواهد بود. کیارستمی سال‌هاست که در کنار ساخت فیلم‌های کم‌نظیری چون «طعم گیلاس» که برنده مهم‌ترین جایزه سینمایی جهان یعنی نخل‌طلای کن شده بود، به هنرهای دیگری از جمله عکاسی، ویدئوآرت و چیدمان نیز پرداخته است. عکس‌های وی همواره معطوف به طبیعت و چشم‌اندازهای زیبای طبیعی است. در بسیاری از موارد اصول سینمایی وی با نگاه عکاسانه‌اش شباهت‌هایی دارد. خودش همواره تأکید کرده که فضای بصری و مفهومی عکس‌ها و فیلم‌هایش به‌هم نزدیک است. او پیش از این دراین‌باره گفته بود: «عکس‌های من، سینمای من را می‌سازد. مدیوم عکس فرصت مبنی‌مال کارکردن، با حداقل امکانات کارکردن را به من داده است و همین عکس‌ها هستند که سینمای مرا می‌سازند. من به سینما و عکاسی توانان علاقه دارم، اما بدیهی است که شرایط برای عکاسی فراهم‌تر است، عکاسی، به مجوز، سرمایه‌گذاری، پروداکشن و... نیازی ندارد، بنابراین در این هنر فعالیت می‌کنم اما هرگاه شرایط کافی و لازم برای ساخت فیلم فراهم شود، فیلم هم خواهم ساخت». زبان و ساختار عکس‌های کیارستمی، ساده، بی‌الایش و آرام است. او عکاسی مستندنگار و ثبت‌کننده کنش‌های اجتماعی نیست و کمتر انسان‌ها در کادرهایش جایی دارند. عکاسی او هنری کاملاً شاعرانه است. افق‌نگری باز و سکوت درون عکس‌هایش بدون‌کن مخاطب را به تأمل و بازنگری در زاویه‌های مخفی طبیعت دعوت می‌کند. در بیشتر عکس‌های کیارستمی می‌توان مکالمه‌ای پویا را میان خطوط عمودی و افقی در چشم‌اندازها مشاهده کرد.

نمازند امکانات، سرمایه و پول است مثل صندوق بیمه بی‌کاری یا بیمه تکمیلی یا بیمه‌های دیگر صنوف. حرکت‌های مثبتی در این زمینه تا‌به‌حال انجام شده است اما متأسفانه همیشه صنوف روی خطی متزلزل حرکت کرده‌اند و هرچیزی که به‌دست آورده‌اند به معنی ماندگاری نیست.

۴ درحال‌حاضر از **وسعت خانه سینما و اختصاص زمینی به آن صحبت می‌شود. فکر می‌کنید این حرکت اقدام مثبتی در سروسامان‌دادن به صنوف باشد؟**
بله. خانه سینما جای درستی ندارد و صنوف حداقل امکانات یعنی اتاق مخصوص به‌خود را ندارند و شکل فیزیکی خانه سینما شکل شایسته‌ای ندارد که فکر می‌کنم اتفاقی که از آن صحبت شد، حرکت بسیار خوبی است. اما تنها دو سال از بازشدن خانه سینما بعد از تعطیلی اجباری خانه می‌گذرد. در این دوسال هم اتفاقات خوبی رقم خورده است. باز هم می‌گویم که قصد دفاع بیجا ندارم. اما حرکت‌های خوبی انجام شده است. معضل اصلی خود سینماست. مثل اینکه قانونی وجود ندارد فیلمی که دارای پروانه نمایش است، بدون هیچ مشکلی اکران شود یا فیلمی مثل خانه پدری را به‌زور از اکران پایین نکشند. ما فیلم‌های بلاکلیف زیاد داریم که مشکلشان حل نشده است. اما تمامی این مشکلات نیازمند گفت‌وگو است و به نظرم همه‌چیز را باید براساس اعتماد و گفت‌وگو حل‌وفصل کرد.

درویش نیز در صحبت‌هایش درباره مشکلات اکران فیلمش گفت: رستاخیز با عنایت و توجهات صاحبش، به فضل خدا و با مجوز قانونی و اتکا به فتاوی مراجع عالی‌قدر و حجت شرعی ساخته شد و به اکران عمومی درآمد. آنچه بر اثر تصمیم مدیران دولتی مبنی برپایین‌کشیدن این فیلم از پرده اکران و توقف و تعلیق نمایش آن به بهانه جلوگیری از تضعیف جشن هسته‌ای صورت گرفت حکایتی عبرت‌آموز است که مسئولان سیاست‌ورز، لاجرم می‌بایست پاسخ‌گوی آن باشند.

ما بنا به رهنمود آن حکیم فرزانه، به خداوند سبحان توکل و بر باور خود ایستادی خواهیم کرد و سینه پرردمان را نه برای اغیار و بیگانگان که برای

دیده‌بان بیدار مُلک و ملت گشوده‌ایم.

داوودنژاد آخرین فردی بود که با جایزه سیف‌الله داد از او تقدیر شد. او در صحبت‌هایش از تفکر و نگاه سیف‌الله داد گفت، کسی که توانست سال‌های مسئولیت خود را به پایان برساند به‌دلیل همین مقاومتی بود که در مقابل سیاست‌زدگی و تجارت‌زدگی در سینما داشت، و متأسفانه هنوز هم چنین وضعیتی ادامه دارد و آقای ایوبی هم کم‌اکان زیر همین فشارهاست و امیدوارم که بتواند مقاومت کند و کار را به سرانجام برساند.

حجت‌الله ایوبی نیز در بخش پایانی مراسم درباره صحبت‌های سینماگران در قبال پایین‌کشیدن فیلم رستاخیز از اکران و مسئولیت وزارت ارشاد در مواجهه با این موضوع صحبت کرد و گفت: ته دلم با خودم می‌گفتم که هنوز از فضای آقای درویش خارج نشده‌ایم. ای‌کاش به او عشق نمی‌ورزیدیم، ای‌کاش مخالف فیلمش بودم و طرفدار این نبودم که فیلمش نمایش داده شود تا آن‌وقت برخی از فرمایشاتی که در اینجا مطرح شد به من می‌چسبید. کاش می‌توانستیم لاقال حرف بزنم اما از آن هم محروم هستم و ناچاریم صبر کنیم تا این مشکل هم در سینما حل شود.

خبرسازان

در بجنورد صورت گرفت

جمع شدن بیلبرودهای تبلیغاتی محمد اصفهانی

● شرق: بیلبرودهای تبلیغاتی محمد اصفهانی در بجنورد جمع شد. شهردار این شهر بر اساس مصوبه شورای اسلامی بجنورد اقدام به این کار کرده است.

براساس مصوبه‌ای که در آبان‌ماه سال گذشته به تصویب رسیده است، برگزارکنندگان کنسرت‌ها، سیرک‌ها و هرگونه مراسمی که جنبه انتفاعی دارد باید ۱۰ درصد از بهای بلیت خود را به‌عنوان عوارض به شهرداری پرداخت کنند.این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از متولیان برنامه‌های فرهنگی و هنری باید زمینه‌های لازم را برای برگزاری چنین مراسم‌هایی فراهم کنند و از طرق ممکن حمایت‌های لازم را از جامعه فرهنگی و هنری داشته باشند.حسین ثابت‌قدم‌وحید، مدیرکل ارشاد خراسان‌شمالی، با انتقاد به این اقدام شهرداری به مهر گفت:«موضوع را از طرق مختلف پیگیری می‌کنیم و امیدواریم که مشکل هنرمندان این‌ عرصه به‌زودی حل‌شود».او دریافت عوارض بلیت از برگزارکنندگان کنسرت‌ها را نادرست عنوان کرد: «شهرداری از منافع اجاره بیلبرودهای تبلیغاتی بهره‌مند می‌شود و گرفتن ۱۰درصد قیمت بلیت به‌عنوان عوارض شهرداری از برگزارکنندگان کنسرت‌ها، اقدام پسنسندیدای نیست. هرچند که شهرداری مکلف به اجرای مصوبات شورای شهر است اما مصوب‌کردن چنین موضوعاتی در شورای شهر نیز نیازمند بررسی بیشتر با حضور نماینده هنرمندان، نماینده اداره کل ارشاد و معاونت مربوطه و نمایندگان سایر دستگاه‌های فرهنگی است».

هفت اقلیم

شجریان‌ها و ناصح‌پور پیام تسلیت دادند کمانچه‌نواز آذری درگذشت



● شرق: هابیل علی‌اف پس از چندروز بستری‌شدن در بیمارستان، هفدهم شهریور در ۸۸ سالگی درگذشت. او یکی از نوازندگان شناخته‌شده کمانچه بود که در کشورهای بسیاری کنسرت برگزار کرد. هابیل مصطفی اوغلو علی‌اف، نوازنده کمانچه آذربایجانب، ششم خرداد ۱۳۰۶ در روستایی در منطقه آغ‌داش (جمهوری آذربایجان) به دنیا آمد. زمانیکه هابیل علی‌اف در دبستان مشغول تحصیل بود، احمد آغدامسکی، خواننده مشهور آن زمان، اتاقی در خانه آنها اجاره کرد و این حضور و رفت‌وآمدهای آغدامسکی با دیگر موسیقی‌دانان، سرآغاز علاقه هابیل به موسیقی شد. علاقه و کشش هابیل به موسیقی با تشویق و حمایت مادر همراه شد. او با تشویق‌های آغدامسکی و حمایت‌های مادر وارد مدرسه موسیقی در آغ‌داش شد و ساز تار را انتخاب کرد ولی به علت ضعف جته نمی‌توانست به‌درستی تار را در دست بگیرد به همین دلیل ساز کمانچه را برگزید. ۱۱ساله بود که اولین‌بار در مدرسه به اجرای موسیقی پرداخت، علی‌اف اجراهای بسیاری در شوروی و همچنین ترکیه، آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، هندوستان، پاکستان، ایران، مصر، سوئد، هلند، تونس، ژاپن، سوریه و ... داشته است. محمدرضا شجریان، خسرو آواز ایران در پیامی درمورد علی‌اف گفت: «درگذشت بزرگ‌مرد موسیقی آذربایجانی، استاد هابیل علی‌اف ضایعه‌ای دردناک برای علاقه‌مندان هنر و مردم آذربایجان است. با نهایت تأثر به خانواده، دوستان‌اران و مردم آذربایجان تسلیت عرض می‌کنم». همایون شجریان، خواننده سنتی، نیز در پیامی درگذشت هابیل علی‌اف را تسلیت گفت: «استاد بزرگ هابیل علی‌اف افسانه‌ای، نغمه خود خواند و رفت. او از جمله معدود نوازندگانی بود که با ساز خود به یگانگی رسیده بود. نواختنش تنها نواختن نبود، انگار سخن می‌گفت و شعر می‌سرود و آواز می‌خواند. شکر ایزد را که دیدم روی او ... درگذشت استاد بزرگ کمانچه را به جامعه هنری و هنردوستان تسلیت عرض می‌کنم».

پیامان ناصح‌پور، نوازنده تنبک، نیز برای درگذشت این هنرمند، در یادداشتی به ایسنا گفت: «استاد هابیل علی‌اف یکی از کمانچه‌کش‌های قدر آذربایجان بود و از نظر حس‌وحال موسیقی بی‌نظیر. آهنگ‌ساز بسیار خوبی هم بود، اما این آن چیزی نبود که او را منحصر‌به‌فرد می‌کرد. او روی صحنه به‌قدری مسلط و آرام بود که در همان دیدن ثانیه اول شنونده را مسحور ملودی‌های زیبایش می‌کرد. اگر نگویم او تنها کسی بود که در شناساندن کمانچه به دنیا همت گماشت، با خیالی راحت می‌توانم بگویم که مهم‌ترین نوازنده کمانچه آذری بود که کمانچه را به دوستان‌اران موسیقی شرقی معرفی کرد».